



رئیس قوه قضائیه:

اجازه نمی‌دهیم برخی جریان‌ها هزینه آشوب را کم کنند

گروه سیاست: رئیس قوه قضائیه روز گذشته در جلسه مسئولان عالی قضائی، با تأکید بر لزوم شناسایی نقاط نفوذ دشمن از سوی مردم، گفت: «مسئولان و مردم نباید از این موضوع غفلت کنند که آمریکا از مسیرهای پنهان و آشکار قصد نفوذ دارد...»

صفحه ۱۵

سه‌شنبه ۳ بهمن ۱۳۹۶ ۵ جمادی‌الاول ۱۴۳۹ ۲۳ ژانویه ۲۰۱۸

تیتراها

آمار طلاق و غرغره‌های عالمانه

صفحه ۱۲

محمدرضا باهنر:

اگر به ۳ سال قبل بازگردیم می‌گوییم باید بر جام را امضا کنیم

صفحه ۵

مساحبه وزیر دفاع را چگونه می‌شود تفسیر کرد؟

رمزگشایی یک خروج پر سرو صدا

صفحه ۵

تکذیب رفع حصر رهنورد و درگذشت موسوی

صفحه ۲

پشت پرده حضور عربستانی‌ها در لالیگا

صفحه ۱۴

محسن سلیمانی نویسنده و مترجم معاصر درگذشت

صفحه ۱۰

حرف اول

۳ سال برای نابودی

محمد مهدی مفاهری . استاد دانشگاه

با فرارسیدن ۲۰ ژانویه، یک سال از آغاز به کار دونالد ترامپ، به‌عنوان رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا می‌گذرد؛ یک سال پر از اتفاقات متعدد که در

آن شاهد نوعی چرخش عظیم در سیاست خارجی آمریکا بودیم. زمانی که دونالد ترامپ در بین شگفتی و ناباوری مردم و سران جهان، کوی سبقت را از هیلاری کلینتون ربود و به قدرت رسید، برخی از تحلیلگران ابواب امیدواری کردند که او نیز مانند بسیاری از رؤسای جمهور دیگر، با خارج شدن از فضای رقابت‌های انتخاباتی و قرار گرفتن در جایگاه قانونی یک رئیس‌جمهور، الزامات آن را درک کند و درصدد تحقق شعارهای انتخاباتی هنجارشکن و ضد همکاری جوانه خود نباشد؛ تحلیلی که درست از آب درنیامد و به عملیاتی شدن تحلیل‌های رقیب انجامید. دونالد ترامپ بعد از نشست بر کرسی ریاست جمهوری و در یک سال اخیر، عزم خود را جزم کرد تا تک‌تک شعارهای انتخاباتی‌اش را محقق کند؛ هرچند این رویکرد به دانفته اکثریت مردم و رسانه‌های آمریکا و نیز افکار عمومی و سران جهان خوش نیاید. یکی از شعارهای مهم ترامپ در انتخابات ریاست جمهوری «اول آمریکا» بود. او همچنین قول داده بود که چهره سیاسی

آمریکا را عوض کند. قدرت را به «مردم» بازگرداند و با جلوگیری از سیل ورود مهاجران، وضعیت اشتغال مردم آمریکا را بهبود ببخشد؛ اما ۱۲ ماه بعد از ریاست‌جمهوری، او چه دستاوردی داشته است؟ در عرصه داخلی او در همین یک سال گذشته دو فرمان مهاجرتی صادر کرد که شرایط اخذ ویزا را برای شهروندان بسیاری از کشورها، به‌ویژه کشورهای اسلامی دشوارتر یا حتی ناممکن کرده است. باین‌وجود او که زمانی ادعا کرده بود میزان بی‌کاری واقعی در آمریکا بیش از ۴۰ درصد است، حالا با همان آماری روبه‌روست که زمانی آن را رد کرده بود. پیش‌بینی‌های اولیه اقتصادی در دوران ریاست‌جمهوری ترامپ، مانند وضعیت دوران اوباما بوده است. از سوی دیگر طرح بیمه درمانی اوباما و تغییر آن یکی دیگر از آزمون‌های عملکرد ترامپ در قبسال وعده‌های کارزار انتخاباتی‌اش بود. طرح بیمه خدمات درمانی باراک اوباما ۲۰ میلیون آمریکایی را که هیچ نوع بیمه درمانی نداشتند، تحت پوشش قرار داد اما این طرح با مشکل افزایش حق بیمه روبه‌رو شد و ترامپ گفته بود که بلافاصله آن را لغو و یک طرح جدید را جایگزین آن خواهد کرد.

ادامه در صفحه ۱۴



عبدی، ظرفیان و تاجرنیا بر لزوم تغییر رویکرد اصلاح‌طلبان تأکید کردند

خانه‌تکانی در جریان اصلاحات

صفحه ۳



عکس: پایگاه اطلاع‌رسانی ریاست‌جمهوری

رئیس‌جمهوری درباره رفع فیلترینگ شبکه‌های اجتماعی:

برای باقی‌ماندن فضای آزاد چه زجرها کشیدیم

صفحه ۲

یادداشت

سه‌م اطلاع‌رسانی در اعتراضات اخیر

است. اما هیچ‌گاه شاهد اتخاذ راهبردی فعال مبتنی بر گفت‌وگو با معترضان، پیگیری جدی خواسته‌ها و انتظارات آنان و انعکاس تلاش‌های مسئولان به مردم نبوده‌ایم. با اینکه از سه، چهار سال پیش، همه از ضعف اطلاع‌رسانی و عدم اتکای آن بر راهبردهای روشن، اظهار نگرانی می‌کنند و اجماع کافی در زمینه لزوم اصلاح و تقویت نظام ارتباطی و اطلاع‌رسانی دولت شکل گرفته و وعده‌و وعده‌هایی هم مطرح شده است که اوج آنها، وعده تشکیل معاونت اطلاع‌رسانی و ارتباطات رئیس‌جمهور است. اما چه شد که پس از انتخابات این تدبیر به بوته فراموشی سپرده شد؟ تا اینکه رئیس‌جمهور در اولین واکنش به اعتراضات اخیر، در سخنانی بر لزوم ارتباط و اطلاع‌رسانی به مردم و توجه به حرف‌های آنان تأکید کرد. بنابراین اینک این پرسش را باید پیش کشید که آیا هنوز یاد نگرفته‌ایم که علاج واقعیه را قبل از وقوع بکنیم؟ به نظر این‌جانب، عدم اهتمام در این زمینه، نماد بی‌اعتنایی به افکار عمومی، این نیروی غیرقابل مهار و نامرئی است و تاریخ سیاسی همواره بر این اصل تأکید کرده است که هرگونه بی‌توجهی به افکار عمومی، بستان مسئله، بحران و شکست خواهد بود.

ادامه در صفحه ۴

هوشمند سفیدی روزنامه‌نگار



آیا می‌توان در ریشه‌یابی اعتراضات اخیر، سهمی هم برای ضعف نظام ارتباطی و اطلاع‌رسانی قائل شد؟ آیا آگاه نبودن مردم از پیشرفت‌ها و دستاوردهای زیربنایی و روشن‌شدن افکار عمومی از دلایل برخی کاستی‌ها و ارتباط‌نداشتن برنامه‌ریزی‌شده و مستمر مسئولان با مردم، لکنت زبان و حرف‌زدن با مردم و نشنیدن صدای آنان، در شکل‌گیری، تقویت و تداوم زمینه‌های ایجاد اعتراضات سهمی ندارد؟ آیا رهاکردن جامعه اطلاع‌رسانی کشور به حال خود و نداشتن هیچ‌گونه راهبرد فعال و تعامل لازم با آنها در کاهش سرمایه اجتماعی مؤثر نیست؟ بی‌تردید اگر نظام سیاسی را یک «ایرسیستم» تلقی کنیم، سیستم ارتباطی کشور به‌عنوان یکی از نظام‌های فرعی آن، نقش مهمی را در ایجاد تعادل این «ایرسیستم» ایفا خواهد کرد. با وجود اینکه از دو سال پیش اعتراضات مختلفی در حوزه‌های مالی و اقتصادی مطرح بوده

رجوع به صفحه ۲



رجوع به صفحه ۳



رجوع به صفحه ۴



ولی‌الله سیف:

دلار قطعا ارزان می‌شود

گروه اقتصاد: بازار ارز متلاطم است؛ اما رئیس کل بانک مرکزی می‌گوید این ناآرامی‌ها به‌زودی تمام می‌شود. نوسانات بازار ارز پس از آن شدت گرفت که تعیین قیمت برای دلار در هفته‌های اخیر، لحظه‌ای شد و دلار فروشان چهارراه استانبول...

صفحه ۴

سال پانزدهم - شماره ۳۰۶۸ - ۱۶ صفحه - ۲۰۰۰ تومان

سرمقاله

مجازات اسیدپاشی

سیده فاطمه حسینی . نماینده تهران



یکی از جرائمی که در سال‌های اخیر در اخبار نمود بسیار پیدا کرده، جرم اسیدپاشی است. این جرم که به نظر می‌رسد نسبت به گذشته رو به افزایش است، عمیقاً افکار عمومی را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد و از آنجایی‌که موجب ایجاد جراحات جبران‌ناپذیری مانند از بین رفتن بینایی، بافت‌های صورت و اندام‌های فوقانی بدن و مهم‌تر از همه از میان رفتن زیبایی چهره مجنی‌علیه (با توجه به اینکه اغلب افرادی که مورد اسیدپاشی قرار می‌گیرند، زنان هستند) می‌شود، می‌تواند حتی با جرم قتل عمد نیز مقایسه شود زیرا در بسیاری از موارد قتل عمد، جانی بدون قصد قبلی در لحظه‌ای تصمیم به قتل می‌گیرد. اما در اسیدپاشی فرد حتماً با قصد و آگاهی از عواقب عمل خویش و اصلاً به علت کره‌المنظرکردن و از میان بردن چهره و زیبایی افراد به‌دلیل برخی نیات سوء، دست به چنین عملی می‌زند و فرد مجنی‌علیه را برای تمام عمر از نعمت بینایی و زیبایی چهره، ازدواج و حتی شغل محروم می‌کند و درواقع برای او هر روز هزاران بار مرگ می‌آفریند. این پدیده شوم (اسیدپاشی) گاهی به‌دلیل وجود عداوت‌های شخصی صورت می‌گیرد، بنابراین باید تمامی خسارات وارده بر مجنی‌علیه را بپردازد و ازسوی دیگر نیز با وحشت و رعب گسترده‌ای که ایجاد می‌کند و نیز جری‌شدن افرادی که زمینه ارتکاب آن را دارند، می‌طلبد تا از منظر اخلاق در نظم و امنیت عمومی مجازات این جرم تشدید شود و با برخورد قاطع کام مؤثری برای مقابله با گسترش آن برداشته شود. باین‌حال، قوانین موجود در جامعه ما برای مقابله با جرم اسیدپاشی بسیار ناکارآمد و قدیمی است به‌طوری‌که تنها قانون موجود در این‌باره مربوط به سال ۱۳۳۷ است به عبارتی این قانون مربوط به حدود ۶۰ سال پیش است که قسمتی از آن نیز عملاً نسخ شده و «عقب‌ماندن قانون از وضع موجود» باعث تشدید این جرم شده است. طبق قوانین موجود، برای جرم اسیدپاشی، حبس تا پنج سال و دیه یا قصاص قابل طرح است. باین‌حال، عملاً قصاص در اسیدپاشی منتفی است زیرا بین می‌شود که قصاص باید دقیقاً با جنایت برابر باشد و از آنجا که هیچ تضمینی وجود ندارد که در قصاص اسیدپاشی، فرد مجرم به اندازه قربانی آسیب ببیند، حکم به قصاص اسیدپاش داده نمی‌شود. نتیجه این وضعیت نیز مشخص است: فرد اسیدپاش، بعد از اینکه قربانی خود را برای ابد از زندگی متعارف انسانی ساقط کرد، حداکثر پنج سال را به زندان می‌رود و سپس با پرداخت چند میلیون تومان به زندگی عادی برمی‌گردد؛ شاید همین خفیف‌بودن مجازات باعث شده است افراد با خوف کمتری دست به اسید شوند. بنابراین لازم است که مجازات اسیدپاشی به‌عنوان یک «جرم خاص»، تشدید مجازات شود و باید به سطوح بالاتری از مجازات اندیشید؛ آن هم نه صرفاً برای مجازات مجرم، بلکه برای بازدارندگی. همچنین باید قانون به صورتی باشد که در حین اینکه محکم و قاطع است، از ضمانت اجرایی کافی نیز برخوردار باشد. واقعاً تا چه زمانی باید مجرمان اسید پاشند، زنان و دختران سرزمین ما بسوزند، رسانه‌ها تیر بزنند و به همین قوانین موجود بسنده شود.

ادامه در صفحه ۱۴

همراهان امروز روزنامه شرق

رجوع به صفحه آخر



رجوع به صفحه ۵



سازمان آگهی‌ها
۸۸۷۹۲۴۳۴
۸۸۱۹۲۸۷۷